

گزارشی پیرامون همایش منافقین در واشنگتن

بازی تروریست‌ها در نمایش لغو برجام



صحت‌هایش عنوان کرد: «من حامی تغییر رژیم بوده‌ام و به مدت ۱۰ سال است که همچنان حامی تغییر رژیم در ایران هستم. فکر می‌کنم این تنها راه صلح در خاورمیانه است...».

وی در ادامه مطابق آنچه منافقین برایش نوشته بودند، به تعریف و تمجید از مریم رجوی به عنوان رهبری بی‌تغییر پرداخت که می‌تواند گروهک منافقین یا چیزی را که او مشاور ملی مقاومت ایران خوانده به اهدافش برساند.

این صحبت‌های جولیانای در حالی بیان می‌شود که حتی سرویس‌های اطلاعاتی دشمن ایران نیز روی مریم رجوی و منافقین در چنین جایگاهی حساب نمی‌کنند و بر اساس همان روش قدیمی آمریکایی‌ها صرفاً از این گروه برای جاسوسی یا اقداماتی که حاضر نیستند مستقیماً دست‌شان در آنها عیان باشد، بهره می‌برند.

در واقع می‌توان گفت این همایش برای آمریکایی‌ها که سعی دارند هوشمندانه برای براندازی نظام ایران فعالیت کنند، یک پسرقت فاش است، زیرا گروهک منافقین به عنوان گروهکی که در میان ایرانی‌ها به شکل بی‌نظیری با نفرت و انزجار روبه‌رو است، اساساً در تعریف اپوزیسیون جای نمی‌گیرد و هر سرمایه‌گذاری برای در این جهت قطعاً نتیجه معکوس برای سرمایه‌گذاران دارد.

برخی دیگر از سخنرانان و پیام‌دهندگان به این همایش نیز باز هم مطابق متون سفارشی منافقین مسائلی همچون اتحاد دیگر جدایی‌طلبان در ایران را برای دستیابی به براندازی مطرح کردند که باز هم نشان از برآورد و فهم بسیار پایین آنها از ایران و جایگاه برگزارکنندگان همایش داشت، زیرا اولاً گروه‌های محدود مدعی جدایی‌طلبی هیچ‌گاه در ایران جایگاهی نداشته و ثانیاً حاضر به پذیرش همدستی با منافقین و ننگ و تبعات این امر نیستند. در مجموع این نشست و نمایش‌های برگزار شده در آن را می‌توان ضربه به پروژه براندازی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران قلمداد کرد که به لطف سیاستمداران از رده خارج آمریکایی به جرم فساد مالی برگزار شد.

تنها دستاورد این نشست را هم می‌توان فقط برای منافقین متصور بود که همچنان سعی در اثبات قدرت و توان فعالیتی خود دارند، موضوعی که با همراهی برخی مقامات آمریکا تنها فرصت این نمایش را برای سازمان رجوی مهیا کرد.

برابر پاریس نباشد کمتر از آن نیست و از سوی دیگر به دلیل حضور سخنران در تجمع تشکیلاتی که اعضای آن روزی به عنوان تروریست در غرب دستگیر می‌شدند و تحت تعقیب بودند، می‌تواند آینده سیاسی او را به خطر انداخته و مسیر آینده وی را مسدود کند.

رودی جولیانای که با عنوان فرمایشی وکیل رئیس‌جمهور آمریکا در این همایش شرکت کرده بود، مطابق همان متون سفارشی همیشگی منافقین با همان ادبیات شیخ، غیر دیپلماتیک و با هیجانات مخصوص گروه‌های تروریست و جدایی‌طلب، سخنرانی کرد و آن حرکت مشهور در پرتاب آب دهان به کاغذی به عنوان نماد برجام و پاره کردن آن نیز مبره‌ده و هم‌وزن دیگر حرکت‌های منافقین بود.

شهردار سابق نیویورک و عضو تیم حقوقی دونالد ترامپ در این نشست نمایشی که باز هم بدون حضور گروه‌های مختلف و متعدد ضد انقلاب حاضر در ایالات متحده آمریکا برگزار شده، در

نشست‌های تشکیلات منافقین حضور یابند و این خود بیانگر نسبت ارتباط و جایگاه سازمانی است که خود را مدعی ریاست اپوزیسیون خارج نشین و هژمونی مبارزه می‌دانند.

آنچه در همایش واشنگتن اتفاق افتاد، دقیقاً منطبق بر همین روند منافقین است. دوباره همایشی تبلیغی و رسانه‌ای با آدم‌های تقلبی برگزار شد که این مرتبه فرق آن در محل برگزاری بود. یعنی به جای ویلینت، واشنگتن دی‌سی میزبان تروریست‌های آواره در خارج از مرزهای ایران بود. با نگاهی به چهره‌های سخنران در این همایش نظیر رودی جولیانای، شیلا جکسون لی، بیل ریچاردسون و... می‌توان متوجه این مهم شد که سخنرانان منافقین دقیقاً همان کسانی هستند که در فرانسه و آلبانی هم برای این گروه سخنرانی می‌کنند و برای ۱۰ دقیقه قرائت متن‌های آماده شده منافقین تا ۸۰ هزار دلار هم طلب دستمزد می‌کنند. رقم‌هایی که مطمئناً به دلیل مکان برگزاری و همچنین برد رسانه‌ای آن اگر چندین

تیلیفات گسترده خبر از نزدیکی و علاقه آنها برای حضور در مراسم منافقین می‌دهد، این در حالی است که فساد مالی این شخصیت‌ها خود بیانگر دلایل حضور و سخنرانی آنها برای تنفس مصنوعی به تشکیلات تروریستی رجوی است. اما مساله‌ای که در این سال‌ها و با بررسی شکلی همایش‌های منافقین به اثبات رسیده، عدم توانایی سازمان رجوی در دعوت و حضور اعضای ایرانی اپوزیسیون و جریان‌های ضد انقلاب مستقل در خارج از کشور است. موضوعی که ریشه در بدنامی منافقین در سطوح بین‌المللی و تغییر وضعیت این سازمان از یک اپوزیسیون مسلح به فرقه مسعود رجوی از دیدگاه جریان‌های مخالف و ضد انقلاب مستقل در اروپا و آمریکا دارد. دلایلی که باعث شده هیچ فعال سیاسی ایرانی غیر از اعضای سازمانی و عناصر تشکیلاتی منافقین حاضر به سخنرانی برای این گروه نباشند. این در شرایطی است که هیچ یک از مخالفان خارج‌نشین حتی این اجازه را به خود نمی‌دهند که حداقل به عنوان میهمان در اینگونه

ویلینت غیر از چند ردیف اول و چند صندلی دیگر که قرار است در قاب دوربین‌ها نمایش داده شود و در اختیار اعضای سازمان در اروپا قرار می‌گیرد، به دلیل کمبود نیرو، بقیه صندلی‌ها با پرداخت هزینه‌های سفر، غذا و حتی تفریح پر می‌شود. به عبارت دیگر دانشجویان، افراد کم‌بضاعت و حتی بی‌خانمان به دلیل هزینه‌های کمتر در این همایش چند ساعته با پول منافقین حتی از شهرهای دیگر فرانسه به پاریس آمده و غیر از یک گردش ریگان و غذا و پول توجیبی، چند ساعتی را در همایش حاضر شده و بدون آنکه بدانند در کجا قرار دارند و هدف این مراسم چیست، برای صحبت‌های سخنرانان کف و سوت می‌زنند. سخنرانان مراسم ویلینت معمولاً سیاستمداران بازنشسته و در برخی موارد با پرداخت هزینه‌های نجومی برخی شخصیت‌های شناخته شده هستند. در شرایطی که قریب به اتفاق سخنرانان این قیام مراسم در یک نقطه اشتراک داشته و آن حضور هر یک از آنها به دلایل فساد مالی و به طمع پول است، سازمان با

حسن حنیف: برگزاری همایش و شوی تبلیغی- رسانه‌ای با اهداف مالی علیه جمهوری اسلامی ایران در گروهک تروریستی منافقین موضوع جدیدی نیست. یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های اینگونه حرکت‌های منافقین را می‌توان در همایش سالانه این گروه در پاریس مشاهده کرد که در سالروز آزادی مریم رجوی در ۳ ژوئیه ۲۰۰۳ و بعد از دستگیری در ۱۷ ژوئن همان سال به جرم پولشویی و جنایت انجام می‌شود. منافقین سالانه در همایشی که با نام «ویلینت» (نام سالن برگزاری) در پاریس برای بسیاری از ایرانیان و حتی شهروندان برخی کشورها شناخته می‌شود، مراسمی مضحک و خنده‌دار را به نمایش می‌گذارند که سازمان طبق معمول برای اجرای این مراسم با پرداخت هزینه‌هایی نجومی از برخی دولتمردان و سیاستمداران شناخته شده دعوت به عمل می‌آورد. دایره دعوت از میهمانان این مراسم از کنگره ایالات متحده و آژانس‌های اطلاعاتی غربی تا مسؤولان امنیتی در جغرافیای جهان عرب شکل می‌گیرد؛ موضوعی که همواره نه‌تنها انتخاب‌های این سازمان را در دعوت از دشمنان قسم‌خورده ملت ایران محدود نکرده است، بلکه وقاحت تا جایی ادامه دارد که میهمانانی چون ترکی الفیصل به عنوان یکی از مهندسان شکل‌گیری و تغذیه تروریسم تکفیری چون القاعده و داعش به عنوان میهمان در این قبیل مراسم‌های سازمان حضور به عمل رسانده‌اند. این در حالی است که منافقین (سازمان مجاهدین خلق) هدف از اجرای این مراسم سالانه و تکرار خود را قدرتمندی برابر نظام اسلامی ایران و انتقام از مردم کشورشان با بهانه‌هایی واهی از جمله شکستن اختناق و تقابل با استبداد عنوان کرده‌اند. اما بررسی دقیق‌تر این نشست منافقین می‌تواند برآوردی دقیق از جایگاه و شأن مراسم اخیر این گروه در آمریکا موسوم به «کنوانسیون ایرانیان در واشنگتن» ارائه دهد. کنوانسیون ایرانیان در واشنگتن همان مراسمی است که چند شب قبل در واشنگتن با حضور «رودی جولیانای» مشاور ترامپ برگزار شد. این اجتماع به دلیل پاره کردن برجام در آن که از سوی جولیانای انجام شد، توجه بسیاری از رسانه‌های داخلی و خارجی را به خود جلب کرد. برای درک بهتر مخاطب این قبیل همایش‌ها که از سوی سازمان برگزار می‌شود، باید نگاهی گذرا به عوامل مستقر سازمان در اورسورواژ پاریس و محتوای واقعی همایش ویلینت داشت. در همایش

چگونه پرونده حکومت ۱۳۰ ساله قاجارها در یک زیرزمین درهم پیچیده شد

از «رضاخان» تا «والا حضرت اقدس»!



۱۳۳۰ به پایان رساند و ساعت ۱۴:۰۰ صدا شلیک چهار توپ در فضای تهران پیچید.

■ **اخراج محمدحسن میرزا از ایران**
رضاخان خوشحال از تصمیم مجلس شورای ملی، با احضار سررتیب امان‌الله جهانپای رئیس ارکان حرب قشون، محمد در گاه‌ی رئیس تشکیلات نظمی، امیرلشکر عبدالله طهماسبی حاکم نظامی تهران و سررتیب مرتضی یزدان‌پناه فرمانده لشکر مرکز، دستور داد محمدحسن میرزا ولیعهد و برادر احمدشاه را تحت‌الحفظ به مرز برده از کشور بیرون کنند. سرهنگ گلشایبان و سرهنگ احمد زاویه نیز در اجرای این دستور مشارکت داشتند. دستور دیگر آن بود که هر چه اتاق در کاخ گلستان، محل اقامت محمدحسن میرزا، وجود دارد باید قفل، و مهر و موم شود. مأموران ساعت ۱۴:۱۰ وارد کاخ گلستان شدند. همان شب با خشونت و بی نزاکتی محمدحسن میرزا را حرکت دادند. محمدحسن میرزا پس از آگاهی از اقدام مجلس از طریق سفارت فرانسه به برادرش احمدشاه در پاریس خبر داد که دیگر تلگرمی به ایران ارسال نکند. همچنین از این طریق به مادرش که در بغداد بسر می‌برد اطلاع داد که همانجا بماند و حرکتش را به ایران عقب اندازد. خانواده احمدشاه، در پی تصمیم او پس از حوادث اول و دوم مهرماه (غائله نان) در عدم بازگشت به ایران، راهی ایران شده بودند. آنان تصمیم داشتند پس از زیارت عتبات عالیات وارد ایران شوند. منابع آمریکایی در این باره نوشته‌اند که «ولیه‌ها در ظاهر با شرایط بسیار تحقیرآمیزی به بغداد فرستادند. می‌گویند او را تفتیش بدنی کردند و عملاً هیچ پول و حتی اسباب سفری در اختیارش نگذاشتند.» «ولیه‌ها خواهش کرد پول خرجی برای او تهیه کنند. همان شب ۵ هزار تومان حکومت نظامی برای او حاضر کردند.» محمدحسن میرزا با خودرو روزلوروس سفید رنگ خود راهی مرز شد. عنوان رضاخان پس از انقراض سلطنت قاجار، به «والاحضرت اقدس» تغییر کرد.

■ **ابلاغ مصوبه مجلس به رضاخان**
نزدیک غروب نایبان رئیس و اعضای هیأت رئیسه مجلس، مصوبه مجلس را درباره انقراض سلطنت قاجار و تعیین رضاخان به عنوان رئیس

ریاست مجلس شد و تأکید کرد استعفانامه حسن مستوفی که پیش از این نوشته بود و باز هم بار دیگر نوشت و به دست حسین علا داد، باید خوانده شود. در نهایت هر دو استعفانامه مستوفی خوانده شد و آیت‌الله مدرس پیشنهاد کرد: «نظر به اینکه مطلب مهمی در کار است... عصر دوباره مجلس تشکیل شده، رئیس معین و وارد دستور شویم.» پیشنهاد وی رای نیاورد و مجلس ساده واحد انقراض سلطنت قاجار برای رای‌گیری درباره فوریت آن را قرائت کرد: «مجلس شورای ملی به نام سعادت ملت، انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکت به شخص آقای رضاخان پهلوی واگذار می‌کند. تعیین تکلیف قطعی موکل به نظر مجلس مؤسسان است که از تغییر مواد ۳۶-۳۷-۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی تکمیل می‌شود. پس از خواندن این ماده آیت‌الله مدرس گفت: «مطابق قانون اساسی این را نمی‌شود اینچنین مطرح کرد.» و سخن مجلس را ترک کرد. وی در حال ترک مجلس گفت: «۱۰۰ هزار رأی هم بدهید، خلاف قانون است.»

■ **موافقان و مخالفان طرح ساده واحد خلع سلطنت قاجار**
پس از آنکه نمایندگان به ۲ فوریت طرح ماده واحد خلع سلطنت قاجار رأی دادند، سیدحسن تقی‌زاده پس از بیان مقدماتی که همگی برای نشان دادن موافقت او با دولت رضاخان بود، طرح موضوع را خلاف قانون اساسی دانست و توصیه کرد قضیه انقراض سلطنت قاجار به یک کمیسیون ارجاع شود. تقی‌زاده پس از سخنان خود سخن مجلس را ترک کرد. در ادامه سیدیعقوب در موافقت طرح با اشاره به جریاناتی که علیه استبداد صغیر پدید آمد، حوادث رخ داده امروز را شبیه رخدادهای آن زمان توصیف کرد و گفت برای بازگشت مشروطه

نماینده سیاسی آمریکا درباره جلسه آن روز نمایندگان در خانه رضاخان می‌نویسد: «بعد از ظهر روز جمعه، مورخ ۱۳۰ کتبر، به نمایندگان پیام دادند به خانه رئیس‌الوزرا بروند. در آنجا از آنها خواسته شد قول بدهند که به نفع این لایحه (برکناری خاندان قاجار از سلطنت) که فردای همان روز به مجلس ارائه شد رأی خواهند داد. از قرار معلوم نمایندگان مجلس هم خیلی عجولانه «رنگ عوض کردند» و البته شکی نیست که به انحای مختلف تطمیع و تهدید شده بودند که فقط خشونت فیزیکی کم داشت.»

■ **خلع سلطنت قاجار در مجلس شورای ملی**
مجلس شورای ملی پیش از ظهر روز ۹ آبان ۱۳۰۴ تشکیل جلسه داد. همه مقدمات از روزها قبل برای طرح ماده واحد خلع سلطنت قاجار آماده شده بود. آیت‌الله سیدحسن مدرس از مخالفان طرح ماده واحد بود. وی خواستار تعیین

موقت مملکت، با حضور در خانه رئیس‌الوزرا به وی ابلاغ کردند. در این دیدار تدین، نایب‌رئیس مجلس گفت همه نمایندگان با قلبی امیدوار انتظار دارند «سعادت ایران و ایرانیان در سایه عطوفت والاحضرت تأمین» شود. رضاخان هم این اقدام مجلس را گامی مهم و تاریخی در راه سعادت ایران دانست که به مملکت روح تازه‌ای می‌بخشد. رضاخان از اعطای ریاست مملکت به او تشکر کرد و دوره پنجم مجلس را یادگاری مهم در صفحات تاریخ دانست و گفت: «من همیشه این حسن نیت نمایندگان دوره پنجم و روابط حسنه‌ای که با آقایان دارم فراموش نخواهم نمود.» سیدمحمد تدین در ادامه این دیدار از رضاخان خواست با کارمندان دربار با عطوفت رفتار شود و زندانیان حوادث اخیر آزاد شوند. رضاخان تقاضای نخست را پذیرفت اما در توضیح درخواست دوم گفت بازداشت‌شدگان با آنان در محکمه نظامی محکوم به اعدام شده‌اند، با این وصف عفو عمومی خواهم داد. «بلافاصله رئیس نظمی احضار

منبع: هدایت‌الله یهودی، روز شمار تاریخ معاصر ایران